

# میهن از نو جان میگیرد

قطره، قطره خون جانبازان با لحظه، لحظه جاودانگی پیوند می یابد

در صفحه ششم

## همه چیز پیچیده تر از آن است که دست اندرکاران گمان می کنند

### آسان پنداری و فرقه گرایی دو مهلکه بزرگ سیاست خارجی با سیاست داخلی در رابطه همیشگی می باشد

تنظیم سیاست خارجی کشور یکی از پیچیده ترین وظیفه های هر حکومت است. ناآشنایان به سیاست خارجی می پندارند دشواری هایی که در این زمینه پدید می آید، تنها در متن همان سیاست می باید زوده شود.

واژ اینرو در تعیین تکلیف برای دشواری های خارجی کشور اندیشه خود را در یک میدان تنگ به حرکت در می آورند و راه حلی برای همان دشواری در همان چارچوب جستجو میکنند. بقیه در صفحه چهارم

## سرنوشت جنگ به پایداری و استواری مردم بستگی دارد

### ارتش نقش برجسته خویش را ایفا کرد انحصارگری ها به همبستگی ملی آسیب می رساند

تجاوز پدیده تازمائی نمی باشد و همپایه دیرینگی جامعه های بشری وجود داشته است. در ابتدا ملتها احتیاجی به نگاهداری ارتش همیشگی جهت حفظ سرزمین های خود نداشتند زیرا افزارهای جنگ بسیار ساده و دریک شمشیر و تیر و کمان و مانند اینها خلاصه میشد و نحوه

زندگی مردم نیز چنان بود که تمام مردم با کاربرد اینگونه افزارها آشنا بوده و سواری نیز کار روزمره همگان بود و در نتیجه هرگاه که کشور مورد هجوم بیگانگان قرار میگرفت با صدور یک فرمان تعداد لازم از میان جوانان گرد آمده و به بقیه در صفحه سوم

## زمینه های شایعه سازی را از میان بردارید

### نهان داشتن ناگواری ها، بی اعتمادی به استواری مردم است

دولتمردان ما، با ملت ایران «رودربایستی» پیدا کرده اند. این خصلت کهن در متن فرهنگی ما ریشه های استوار دارد. مردم ما، به رهنمود بزرگی های خویش، درویشی و پریشانی های خود را از چشم دوستان نهان می دارند و برزندی ها و فخرهای خود را به جلوه درمی آورند.

## باید همه نیر و های سازندگرا بسیج کرد.

### هر ویرانی را بیدرنگ ترمیم کنید.

ایران به جنگ تحمیلی کشانده شده است. دنیا شک ندارد که عراق به اشاره استعمارگران و به یاری جنگ افزارهای آنان به اندیشه برچیدن حکومت جمهوری

اسلامی ایران و اخلاص در ایران انقلابی بمرزهای میهن ما هجوم آورد.

در این پیکار عراق، یار و نماینده سلطه گران، پایمال کنندگان حق حاکمیت ملتها و لگد کوب کنندگان استقلال کشورهاست و در جایگاه باطل و ایران، که بدافع از هستی و استقلال ملی و حفظ دست آوردهای انقلاب اسلامی خود است، در سنگر حق قرار دارد. بقیه در صفحه دوم

## عید مبارک قربان بر هم میهنان فرخنده باد

خجسته عید «الاضحی» این سنت دیرین ملت های خاورزمین و بزرگترین روز اسلام فرا رسید. در این روز مبارک انسان در میعاد شهادت، ارزش والای خود را بدست آورد و به راستی روز قربان، روز انسان سازی و آزادگی گردید. امسال، در این روز فرخنده اسلام، ملت ما شاید برای نخستین بار نتوانست، انسان که باید به میعاد وحدت و دیدار خانه حق برود، اما فرزندان دلاورش، هزاران نفر کاروان شهادت به زیارت «خانه خدای» شتافتند. امسال در این روز آزادی آفرین، شاید برای نخستین بار توسط کسانی که اسلام را جلوه «عربیت» خود میدانند برغم سنت های کهن در ماه «حرام» بر ملت ما آتش ریختند و خونریزی برپا داشتند. امسال، در این عید خون، ملت بزرگ ما، با چهره خونین در «قربانگاه» امیرالیسم جشن قربان میگیرد و با سیمای درخشان، سنگ زنان بر اهریمن غدار در کوه شکوهمند انسانی، مقدم پربرکت «الاضحی» را استقبال میکند.

## بیهود گسی شرکت نخست وزیر در جلسه شورای امنیت

فرصت بهره گیرند و پیام انقلاب اسلامی ملت ایران را به جهانیان اعلام دارند.

اگر تنها اجرای همین خواسته در نظر میبود، سفر شخص نخست وزیر و هیئت همراهش چندان ضرور نمی بود، هر نماینده ایران در هریک از بخش های سازمان ملل متحد میتواند پیام ایران انقلابی را به گوش ملت هایی که زیر سلطه قرار ندارند برساند، همچنانکه رئیس هیئت نمایندگی ایران در واپسین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد این وظیفه را انجام داد بقیه در صفحه سوم

## سازمان های بین المللی وسیله های در دست ابر قدرت ها است

نخست وزیر برای شرکت در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد راهی نیویورک شد و در آنجا سخنانی ایراد کرد. در توجیه این سفر چنین گفتند که می خواستند از این

## از گسترش بیکاری جلوگیری کنید

### بی برنامگی دولت باید پایان یابد با ایجاد گروه های کار بطور ضربتی به عمل پردازند.

بکار انداختن واحدهای صنعتی و عمرانی آنان، بسیاری از کارخانه ها و شرکت های بزرگ ساختمانی دچار رکود شد و یا پس از فعالیت کوتاه مدتی رو بتعطیل نهاد. - در بعضی واحدهای صنعتی بخش خصوصی، بسطت کارشکنی ها و عدم امنیت شغلی و یا کمبود مواد اولیه و یا قطعه های بقیه در صفحه ششم

پس از پیروزی انقلاب جز در همان چندماه نخستین در رفع اصولی بیکاری اقدامی ننموده جدی صورت نگرفت و بیکاری بعدی وسیعتری را پیدا نمود که از برجسته ترین علتهای آن موارد زیر را میتوان ذکر کرد: - بسا خارج شدن و فرار سرمایه داران، کارخانه داران و پیمانکاران وابسته از کشور و عدم توانائی دولت ها پس از انقلاب در

# چو ایران نباشد تن من مباد



ارگان حزب ملت ایران

# صحنه‌های کنونی جنگ، جای آزمایش نیست

آگاهی‌ها و تخصص‌هایی که قدرت سامان دادن جنگ را در آدمی می‌آفریند، در مدتی کوتاه حاصل‌شدنی نیست، این توانائی‌ها به سالها آموزش و عمل نیاز دارد و این توانائی‌ها، از دانشهای ایستا بر نمی‌خیزد و هر ماه و هر هفته، حتی هر روز که بگذرد سامان دهندگان جنگ باید دانش‌ها و توانائی‌های خود را تازه و سرشارتر کنند.

اینکه ارتشهای بزرگ جهان، هر گاه و بی‌گناه دست به ممانور می‌زنند، و خبرهای آنها در رسانه‌های گروهی گفته می‌آید، نشانی است از ضرورت تازه داشتن آگاهی‌ها و تخصص‌ها.

مهلکه جنگهای کنونی را باید به کسانی سپرد که کاردانی و کارآمدی خاص را به کف آورده‌اند و اگر جز این شود، راه خسران در پیش گرفته شده است.

سامان دادن به جنگهای کنونی، تنها در صحنه جنگ صورت نمی‌یابد، این سامان بخشی، همه زمینه‌های حیاتی کشور را در بر میگیرد، باید تمامی توانائی‌های اصلی کشور در کار جنگ بسیج شود.

در زمان جنگ بودجه، اقتصاد و نظم صنعتی و کشاورزی و آبادانی و درمانی و ترابری و آموزشی چهارم دیگر به خود می‌گیرند، هر کدام از این زمینه‌ها باید چنان ترتیب داده شوند که از آسیبهای جنگ بر کنار مانند و نیز در تدارک اسبابهای جنگ یاری دهند.

جنگ را به صحنه‌های اصلی رویارویی با دشمن محدود داشتن و سایر زمینه‌های زندگی ملی را به حال خویش رها کردن، اشتباهی است مرگبار.

جنگی که اینک ایران درگیر آن است، اقتضای سامان بخشی بیشتر و گسترده‌تر دارد. در هر جنگ، سخن از شکست و پیروزی است، اما، در این جنگ، سخن از بود و نبود است، سخن از نابودی فرهنگ ملی و حرمت تاریخی ایران است.

سخن از شکست نظامی نیست، چنین شکستی را میتوان در طی زمان جبران کرد ولی نیستی حرمت و فرهنگ را به سختی می‌توان تاب آورد.

هیچ سستی در این رزم روا نیست و باید همه نیروهای نهفته ملت به در هم شکستن دشمن بسیج شود و این نیاز باید هر چه شتاب‌آلودتر برآورده گردد.

سخن از دامنه یافتن جنگ در طول زمان با توانائی‌های کشور تناسب ندارد، چرا که می‌شد دشمن را به سرعت در هم شکست، اگر چنین نشده ناتوانی از سامان بخشی به جنگ بر خاسته است.

باید، هر کدام از دست اندر کاران که در خویش، یاری سامان بخشی جنگی نمی‌بینند جای خود را به آنکس بسپارند که چنین توانائی‌ها دارد و هر تردید و دودلی در انجام این تکلیف هم بر کشور و هم بر خود آنها مصیبت‌ها خواهد رساند.

جنگ کنونی، فرصت آنرا نمی‌دهد که کار بدستان به آموختن دانشهای جنگ و یافتن تخصص بپردازند و جایگاههای فرماندهی را در اختیار بگیرند.

رهبران سیاسی و روحانی که در همه کارها دخالت می‌کنند، اگر، دانشهای جنگی لازم می‌داشتند و سامان جنگی درست پدید می‌آوردند، در هفته‌ها پس از جنگ، مدرسه ما زیر باران بمب نمی‌ماند، و بیمارستانهای ما، آماج خمپاره و توپ نمی‌بود. بسیاری از مصیبت‌ها که بر مردم رسیده و بسیاری زخمها که بر پیکر اقتصاد خورده، از درست نبودن سامان جنگی کشور است.

واپسین هشدار به دولتمردان، یادآوری مسئولیت‌های شگرف ایشان می‌باشد و در پس این مسئولیت این اندرز تاریخ نهفته است که هر کدام که آگاهی‌ها و توانائی‌های خاص دوران جنگ را ندارند به خودنماییهای جلف نپردازند و جای خود را به دیگری بدهند.

نه ایران نه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نه سازمانهای اداری کشور، سترون و بی‌پشتوانه نیستند، اینهمه به انقلاب جفا نکنید و داعیه انجام کاری را که نمی‌توانید، نداشته باشید و دست کم سامان بخشی به این جنگ سرنوشت‌ساز را به کسانی بسپارید که شایستگی و ورزیدگی بایسته را دارند.

# باید همه...

روغن مورد نیاز ماشین‌ها راه فراهم کنند و همه این امکانات را سازمان دهند و بگونه کادر فنی در اختیار فرماندهان جنگی منطقه بگذارند.

این گروهها وظیفه دارند هر ویرانی را بید رنگ ترمیم کنند، هر پلی و سدی که شکسته شود هر باندی که آسیب ببیند، در دم آماده بهره‌برداری کنند. همه آسیبرسانی‌های دشمن در کار جابجائی نیروهای نظامی باید خنثی شود.

بکار کتان باید تفهیم شود که جنگ با دشمن تنها حضور در صف مقدم جبهه و بدست گرفتن جنگ افزار نیست، هر ایرانی که بهر نحوی در جبهه جنگ یا پشت جبهه جنگ نیروهای ارتش را یاری رساند بی‌شک در این نبرد میهنی سهم خواهد داشت.

تاکنون بهمت ایرانیانی که انقلاب را باور دارند کوششهایی در این زمینه شده است ولی باید همه نیروهای که در شرکتهای ساختمانی قرار گرفته‌اند و هر یک سالها تجربه را پشت سر دارند به خدمت گرفته شوند، اگر راهی کشف شده و اگر پلی بسته باشد فرودگاهی ساخته آمده، همه بهمت بازوی مهندسان و استادکاران ایرانی بوده و به برکت ایمان آنها نیز باید هم چنان استوار و پا برجا و هموار بمانند و نیروهای ارتش را در این پیکار سرنوشت‌ساز سودمند افزند.

در میان سازمانها و گروههایی که در این هنگامه بیاری ملت و ارتش جمهوری اسلامی برخاسته‌اند، میتوان از سندیگای شرکتهای ساختمانی یاد کرد.

هیات مدیره این سندیکا که پس از انقلاب اسلامی ملت ایران از سوی شرکتهای خوشنام برگزیده شده‌اند، در روند رویدادهای پس از انقلاب خواستارند تا آنجا که با سرشت و استخوان بندی و علت برپائی شرکتهای ساختمانی ناسازگار نباشد، دست اندر کاران رایجی دهند. به هنگامیکه این جنگ دل آزار به ملت ایران تحمیل شده، سندیگای شرکتهای ساختمانی، شرکتهای وابسته راطی اطلاعیه‌هایی بهمکاری با ارتش جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های جنگ فراخوانده است. برخی از شرکتهای وابسته رهنمودهای سندیکا را پذیرا شده بیاری ملت شتافت‌اند، کادر فنی و ماشین‌های سنگین خود را به جبهه‌های جنگ گسیل داشته‌اند.

از شمار آنها، شرکت ایران پلاتوپیمان که در منطقه دارخوین کارهای پل سازی ناتمام مانده شرکت دیگری را پذیرا شد و در زیر حمله‌های ارتش مزدور عراق همچنان بکوشش‌های سازنده خود ادامه داد تا آنکه روز دوشنبه بیست و یکم مهر ماه ساعت ده بامداد در سه کیلومتری آبادان مورد هجوم ارتش عراق استعمار ساخته قرار گرفته، مهندس کارگاه و چند تن

گفتیم که ما در سنگر حق هستیم، چنین جنگی باید آبادی و سازندگی در پی داشته باشد. آباد کردن و ساختن در دنیائی که مائیم بسادگی انجام نمی‌پذیرد، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و همه جانبه دارد، باید نیاز و خواستهای ملی را شناخت، باید به شرایط اقلیمی، و نیروهای انسانی و منابع طبیعی توجه کرد. ملت ایران اینک یکی از فرصتهای تاریخی خود را یافته است، فرصت طرح نو در افکندن فرصت خلق مکتبهای ایرانی در همه زمینه‌های هستی ملی. این جنگ تحمیلی دل آزار باید به پیروزی ایران انجامد- هیچ نتیجه‌ای جز پیروزی برای وفاداران به انقلاب پذیرفتنی نیست.

حماسه‌آفرینی نیروهای سه‌گانه ارتش در هوا و زمین و دریا را جانفشانی همهی مردم ایران زمین پشتوانه پیروزی تواند شد. یکی از شرایطی که ایران را با پیروزی قرین خواهد کرد بسیج و بکار گرفتن همه نیروهای نهفته و آشکار ملت است. اینک به برنامه‌های درازمدت نمیتوان پرداخت ولی در این لحظه‌های حساس که جنگ در میهن ما جریان دارد نقش شرکتهای راه‌سازی و ساختمانی و وظایف آنها در همت‌گماری به ترمیم خرابی‌ها را نباید از نظر دور نگاهداشت.

شنیده شده است که به بهانه آغاز جنگ فعالیت‌های آبادانی در بیشتر بخش‌های میهن حتی در بخش‌هایی که از جبهه جنگ بسیار دورند به کم‌کاری و توقف کشیده شده است که این خود سبب راکد ماندن سرمایه ملی و از بین رفتن ماشین‌های سنگین و افزایش بیکاری میگردد. فراموش نباید کرد که ملتهای دیگر بگناه جنگ همه نیروهای انسانی و استعدادهای فنی خود را بسیج میکنند و بر رف و ویرانی‌های ناشی از جنگ می‌پردازند. در این برهه‌های تاریخی مهندسان و سازندگان ایرانی باید بوظیفه خود عمل کنند، باید بکوشند که هیچ کارگاه ساختمانی دچار توقف نشود، مگر آنجا که در جبهه جنگ است و حمله‌های دشمن، در این حالت نیز با هدایت سازمان برنامه و بودجه و وزارت کار و امور اجتماعی سندیکای شرکتهای ساختمانی همه ماشینها را در اختیار کارگران بگذارند و آنها را در بخش‌های ایران گسترده بکار وادارند.

هر کارگاه ساختمانی باید در این لحظه‌های حساس به گزینش گروه ضربتی ترمیم‌گند و افراد گروه را از میان بهترین و ورزیده‌ترین مهندسان و استادکاران برگزیند و ماشین‌های سنگین و نیمه سنگین را تجهیز کرده در اختیار آنان قرار دهد، مصالح مورد نیاز را در دسترسشان گذارند، با همکاری شرکت ملی نفت ایران سوخت و

پاره دلی تقدیم به رزمندگان دلیر وطنم

# ای عقابان آهنین پروبال

زنده و مردام بدین خاک است غیر از اینم کجا پذیرا هست؟ استخوان پدر، نهن اینجاست تن مادر، به گور، تنها هست خانه طفلیم، دبستانم یادگاران خاطر آرا هست «همت‌آباد» و «باغ ملی» و «ارگ» دایه و بازی و تماشا، هست وان نقاره که میزدند به شام باز در گوش من به غوغا هست وانکه اول کلام عشق، سرود - گرچه اکنون دگر نه برنا- هست

طوس و آن مشهد شریف امام اشک خامش، زبان گوینا، هست دل که همچون کبوتران، به طواف، در طپش بود و- نیز حالا- هست

وانگه آرامگاه فردوسی؟ آن عظیم عزیز والا، هست درد بسیار آن جذامی کور شرم ناچیزی هدایا هست شهر شیراز و موسم گل سرخ سعدی و «حافظ» و «مصطفی» هست شب و کارون و آسمانی صاف - که در او هر ستاره پیدا- هست طبرستان و بیشه‌ها انبوه، کوه و آینه‌اش ز دریا، هست خیل یاران. اگر چه رفته بسی- بیشتر مانده پای برج، هست ای وطن. با تو بستم عهدی، جانم از آن تست، تن تا هست شعر و شور و سرورم اینجا، بود تخت و تابوت و گورم اینجا هست ای عزیزان. امید فتح شماسنت در دلم هیچ اگر تمنا هست.

شب اگر وهمناک و تاریک است روشنیهای صبح فردا هست خصم اگر با نشان بولهبی است با شما آیت «سیدعلی» هست»

«آیه» سیدعلی ناراذات لهب سیمین بهیمانی ۵۹/۷/۱۸

ما نمیخواستیم، اما هست جنگ، این دوزخ، این شرر زان هست گفته بودم که. هان. مبادا جنگ دیدم اکنون که آن «مبادا» هست خصم چون ساز کج مداری کرد کی دگر فرصت مدارا هست؟

این وطن جان ماست، بادشمن مسپارید، جان ما، تا هست آتش افزارتان- به نام ایزد- آتش افروز و آتش افزا هست خود گرفتم نبود- گو که مباد- جنگ و دندان و سنگ خارا هست دست یازید. تا توان باقی است پای دارید. تا که یارا هست

ای عقابان آهنین پروبال. خود ز پروازتان چه پروا هست؟ گریه آبشخوری نیاز شماسنت آبگیر سپهرمینا هست رایتان گرشکار بحرورب است بره و ماهیش مهیا هست گریه‌ها هینه خوردتان باید توشه از خوشه‌ها تریا هست ای سمندروشان! خطا گفتم آتش است آنچه تان گوارا هست کوه آتشفشان چسته زجا دارد آن خشم و کین که پا یا هست بر سر دشمنان بیفشانید. هر بلا کز فرود و بالا هست ما نمیخواستیم جنگ و ستیز اهرمن خواست، ای دریغلیه‌هاست لانه اهرمن نشاید داشت خانه تا جلوه‌گاه مزدا هست آشنا پوستین و پوست بکند شرف اما هنوز، با ما هست آشنا را به غیر نفروشم عقلمان راهبر به سودا هست وقف بیگانگان نشاید کرد گرچه در خانه خوان یغما هست اینچنینم، جهان، شناسا هست

از کارگران به اسارت عراقی‌ها گرفتار آمدند. بسیج همه شرکتهای ساختمانی در این جنگ میهنی و کوشش آنها به رف و ویرانی‌ها و ترمیم خرابی‌ها می‌تواند، پایندان پیروزی ملت در این نبرد میهنی باشد.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

بدینسان است که: بدینسان است که: این جنگ رخوت و تنبلی را از رگوبوی ملت ما بر خواهد کند. بدینسان است که: مردم میهن ما هویت ملی خود را باز خواهند یافت.

بدینسان است که: دشمنان انقلاب ماوتجاوزگران به حریم مقدس ایران جزیشمانی و نکبت وادبار طرفی نخواهند بست. «که گردون نگرود مگر بر بهی»

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

باید نیروهای ارتش عراق استعمار ساخته و تمامی دشمنان ایران دریابند که قدرت سازندگی ملت انقلابی مابمراتب پس از ویرانگری و درنده‌خوئی آنهاست.

# کلاس نقاشی

مرتضی کاتوزیان

خیابان صبا چهارراه بزرگمهر ساختمان صبا طبقه سوم تلفن ۶۶۶۸۷۱

# ملت ایران، جنگ را در همه زمانها و همه مکانها پذیرا است



ارگان حزب ملت ایران

## از خبرهای هفته

بقیه از صفحه ۸

**ایجاد دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری**  
دفتر نخست وزیر در اطلاعاتی اعلام کرد:

«در تعقیب انتخاب مشاور امنیتی نخست‌وزیر با اطلاع میرساند از این تاریخ (بیست و سوم مهر ماه ۱۳۵۹) دفتر امور انقلاب در سراسر ایران منحل و کلیه وظایف آن به دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، مستقر در ساختمان نخست‌وزیری، خیابان پاسدور تهران، محول میگردد.»

## ادغام دفتر معاملات مسکن و بنیاد مسکن

بنا به پیشنهاد آقای گنابادی، وزیر مسکن و شهر سازی، و موافقت امام خمینی، بنیاد مسکن و دفتر معاملات مسکن، که زیر نظر هیات امنای بنیاد مسکن فعالیت داشت، از این پس در چهار چوب سیاستهای هماهنگ با وزارت مسکن و بصورت بازوی اجرایی، زیر نظر وزارت مسکن و شهر سازی عمل خواهد نمود.

## عربستان از فرانسه چهارده میلیارد فرانک اسلحه میخرد

هفته گذشته روزنامه لوموند فاش کرد که عربستان سعودی چهار کشتی دوهزار تنی مجهز به موشکهای خود کار زمین به زمین، که برد آنها حدود یکصد و شصت کیلومتر است، و دو کشتی نفتکش مخصوص ناوگان، به ظرفیت حدود هفده هزار تن و همچنین تعدادی هلیکوپترهای «دوفین» مجهز به پانزده موشک ضد کشتی ببرد پانزده کیلومتر از فرانسه خریداری خواهد کرد.

## دعوت به بحث آزاد

شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران با صدور اطلاعیهای از مسئولیتهای قبلی و فعلی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برای انجام یک بحث آزاد، دعوت به گردهم آئی کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران نظر به اهمیت و نقش رسانه‌های گروهی و بخصوص رادیو تلویزیون در پیشبرد انقلاب اسلامی و با توجه به حساسیت عملکرد این رسانه‌ها در شرایط فعلی جامعه، در نظر دارد جلسات بحث آزادی پیرامون موضوع عملکرد صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برگزار نماید.»

در این اطلاعیه از مسئولیتهای قبلی و فعلی صدا و سیمای خواسته شده است که روز پنجشنبه، هشتم آبانماه، در محل تلویزیون آموزشی جهت ضبط برنامه حاضر شوند.

## وزیر ارشاد ملی به مجلس احضار شد

هفته تن از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس، خواستار حضور وزیر ارشاد در مجلس شدند تا در رابطه با تعطیل نمودن این وزارتخانه، به سوال آنان پاسخ گوید. متن نامه بشرح زیر است:

«طبق خبری که در جراید روز پنجشنبه، دهم مهر ماه جاری، منعکس شده است، آقای وزیر ارشاد ملی بدنبال سخنرانی خود در جمع کارکنان آن وزارت در محل هتل قدس، وزارت مزبور را از آن تاریخ تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام کرده‌اند و برای توجیه این دستور، به حق قانونی خود بعنوان وزیر ارشاد استناد فرموده و اضافه نموده‌اند که جوابگوی هر گونه استیضاحی از طرف مجلس شورای اسلامی در این باره خواهند بود. اینک با توجه به اصل یکصد و سوم قانون اساسی که صراحت دارد: «حدود اختیارات هر یک از وزراء را قانون معین میکند» - از جناب ایشان خواسته شود که در فرصت قانونی در مجلس حاضر شوند و باین سوال پاسخ دهند که: در شرایط فعلی کشور و در حال جنگ با عراق و درگیری با امپریالیسم، مستند قانونی این تصمیم چه بوده است و در مدت تعطیل این وزارتخانه، وظایف تبلیغی و ارشادی انقلاب و معرفی و توضیح جنایات مهاجمین یعنی عراق و عوامل ضد انقلاب در داخل و خارج کشور بعهده چه دستگاهی است.»

کاظم سامی - احمد بهشتی - اخوتیان - صباغیان - اعظم طالقانی - سید علی نقی تقوی - شهاب محمودی - خلیلی - رضا رضایی - غضنفرپور - صمد شجاعیان - بدالله سبحانی - پرویز ملک پور - سیدین - حاج سید جواد - سلامتیان - غفور خلخالی - محمد حجت کشفی

\*\*\*

## نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه ۸

دختر دیگر با چنین احساساتی انتظار انرا میکشند که دستی بسویشان دراز شود و از آنها کمک بخواهد. وجود سراپا مهر و از خود گذشتگی اینان که می‌خواهند در محیط ناآشنا و بی‌شک پسر از تجربه‌های تلخ و دردناک بیمارستان‌ها کار کنند، چرا نادیده گرفته میشود!

کشور عزیز ما در جنگ است و این جنگ از سوی کسانی تحمیل شده که شرف و غرور همهی ما را آزوده و باید هر یک در حد توانائی در این میدان سرنوشت از خود مایه بگذاریم.

باید هر دستی را که برای مدد رساندن دراز شده صمیمانه فشرد. باید از هر بازو هر قدم، هر درم برای پیروز شدن استقبال کرد.

باید به یاری عزیزانی که شب و روز در معرض بمباران‌های مرگه قرار گرفتند، دبستان و خانه و بیمارستان و مسجد شهرشان در امان نیست و دلاورانه از مرز و بومشان دفاع برخاستند، شتافت.

با کدامین فریاد می‌توانم تضامن این ملت بزرگ را که می‌خواهد تا آخرین نفر و آخرین نفس بجنگد بسیج کند، تا آن فریاد را از جگر برآورم.

با کدامین دعا در دل دست‌اندر کاران میتوان راه جست «تاروم آن دعا بیاموزم» شما را بخدا نامهام را درج کنید شاید چشم مسوولی بدان افتد و در دلش اثر کند و به یادش بیاورد که اگر خدای نکرده بکشورمان آسیبی وارد آید دیگر نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان. چنین روزی خورشید سرنزند و بر سر نوشت ما رقم نخورد که ننگ ابدی بر نسل ما باد.

## آرمان ملت

## ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیمی

زیر نظر شورای نویسندگان

شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳ خیابان سپهدق‌قرنی خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷ صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

## سرنوشت جنگ...

هماوردی با دشمن میشتافتند و در پایان نبرد نیز دوباره به زندگی عادی خود باز میگشتند. اما بتدریج جنگ‌افزارهای آتشین اختراع شد و تسلیحاتی بوجود آمد و سپس دانشهای گوناگون کمک ارتش‌ها آمده و سلاحهای پیچیده و دقیق بوجود آمدند که کاربرد آنها احتیاج به افراد باتخصص و ورزیده داشت و همین موضوع بوجود آمدن ارتش‌های همیشگی را ایجاب کرد، بنحویکه وابستگان آن پیوسته آموزش دیده و پیش‌آهنگ بسیج همگانی در هنگامهای خطر باشند.

پدین‌ترین از چند صد سال قبل ازوم ارتش همیشگی برای ملت‌ها بخوبی احساس شد و هر ملتی که در پدید آوردن آن کوتاهی نمود زیانهای هنگفتی را تحمل کرد.

بی‌شک داشتن ارتش همیشگی، شرکت توده مردم را در جنگ نفی نمی‌نماید بلکه فقط احتیاج به دارندگان تخصص را تأمین میکند، پشتوانه است برای دفاع ملی. اما سرنوشت جنگ به پایداری

## بسیه‌ودگی شرکت نخست‌وزیر در جلسه شورای امنیت

شورای امنیت مناسب و درست می‌شمارند.

همه بیاد دارند که در آغاز بازداشت جاسوسان امریکائی چگونه دست اندر کاران حکومت

بحق سازمان ملل متحد و شورای امنیت را تحقیر کردند و حتی اجازه داده نشد دبیر کل آن به ایران سفر کند، اکنون چه دگرگونی پدید آمده که

نخست‌وزیر ایران باید به نیویورک برود و قبل از شرکت در جلسه شورای امنیت از همان دبیر کل در دفتر وی دیدار کند.

مردم ایران که از آنچه پشت پرده میگردد بی‌خبر نیستند، بیم دارند مبادا این سفر ناگهانی بی‌آمدهای بدی داشته باشد و به

رغم سخنان نخست‌وزیر، در زمینه پایان دادن جنگ پیش از

شکست نهائی حکومت نژادگرای بعث عراق و یا حتی در مورد جاسوسان زندانی شده امریکائی،

سازشهایی صورت پذیرد. بجاست هشدار داده شود،

همانگونه که در شماره قبل آرمان ملت نوشته آمد «هنگامه بود و نبود است نه جای گفتگو و

مدارا» و «باید هر نغمه شوم سازش را در هر حلقوم فرو کوفت

و مصلحت جوان‌تر دامن را باید زبان بکام اندر کرد ولی

رزمندگان تسلیم ناپذیر را باید هر چه بیشتر گرمی داشت.»

سفر نخست‌وزیر به شورای امنیت، وزن و اعتباری به شورا می‌بخشد که درخور آن نیست.

این حقیقتی است تاریخی و رهبر روشن‌بین انقلاب نیز بارها گوشزد کرده‌اند که سازمانهای بین‌المللی کنونی بیشتر وسیله‌ای در دست ابرقدرتها برای پیشبرد هدفهای پلید خود و سلطه بر ملت‌های جهان میباشند.

در همین دوران کوتاه جنگ، شورای امنیت بدون کوچکترین اشاره‌ای به تجاوزگری دولت

عراق و بی‌آنکه عقب‌نشینی ارتش ددمنش آنرا بخواهد قطعنامه‌ای

دایر بر توصیه آتش‌بس صادر کرد و چهره زشت خود را بیشتر آشکار نمود و روانیست که ایران

با شرکت دادن نخست‌وزیر خود در جلسه این شورا برای آن

اعتباری قابل شود بخصوص که در سخنان ایشان مطلب تازه

و شایان اهمیتی هم وجود نداشت. همه میدانند بسیاری از

پشتیبانان و پیرامونیان نخست‌وزیر، بارها و بارها با

شرکت در اینگونه نشست‌ها بشدت مخالفت ورزیده‌اند، و حتی

فرستادن یک نماینده عادی برای گفتار در این شوراها را بی‌حاصل و حتی زیان‌بخش دانستند،

اینک چه شده است که یکباره سفر هیئتی از بلند پایگان کشور به ریاست نخست‌وزیر را به

روستاها و شهرها را تسخیر کرده است، پس هنوز پیروزی بدست نیامده که رندان به تقسیم آن پرداختند.

حقیقت آنست که اینگونه انحصارگری‌ها به همبستگی ملی آسیب میرساند و باعث ایجاد شکاف در صف‌های فشرده مردم میگردد و گرنه همه جان برکفان در جبهه‌های جنگ ایرانی هستند و تأکید بر روی یک نهاد انقلابی

آنهم بر خلاف واقعیت انگیزهای جز گرایشهای فرقه‌ای و سرانجام

ایجاد نفاق ندارد و شگفتا که شنیده شد رادیو لندن نیز در

برنامه شامگاهی روز چهارشنبه ۱۳۵۹/۷/۱۶ بطور واضح و روشن اما از قول خبرنگار

فاینانشال تایمز بیان کرد: «گروه‌های مسلح محلی و پاسداران که رشادت و شایستگی خود را در جنگ به ثبوت

رسانیده‌اند بیش از نیروهای ارتش موفق به کسب اعتبار شده‌اند.» و قابل توجه بیشتر

آنکه روزنامه اطلاعات روز بعد یعنی پنجشنبه ۱۳۵۹/۷/۱۷ در ستون روی امواج رادیو‌ها عین این مطلب را از بیان یک ساعت و نیم برنامهایکه رادیو بی. بی. سی

در طی روز چهارشنبه داشته است انتخاب و بعنوان مطلب جالب و برگزیده چاپ کرده است.

کوتاه سخن آنکه بطور قطع ارتش آرمانخواه جمهوری اسلامی ایران نقش اول خویش را تاکنون در جنگ ایفا کرده است و با آنهمه بی‌مهری‌ها و حق‌کشی‌هایی که طی

پاکسازی‌های غلط بوسیله گروهی ناآگاه و شاید هم وابسته

در ارتش صورت گرفت هنگامیکه دولت نژادگرای بعث عراق ایران

زمین ما را مورد تهاجم قرار داد، این ارتشیان بودند که بدون

کوچکترین تردیدی ناروائیهای گذشته را فراموش کردند و با

تمام وجود به نبرد پرداختند و انصاف که دوست و دشمن نیز

لیاقت، شایستگی و تخصص و ورزیدگی آنان را مورد تحسین قرار دادند.

## در وابستگی، هیچ دگرگونی بنیادی تحقق نخواهد یافت



## همه چیز پیچیده تر از آن است که دست اندرکاران کمان می‌کنند

ولی این شیوه درست نیست، سیاست خارجی با سیاست داخلی، در ارتباط دائم و متقابل می‌باشد، هر تصمیم‌گیری درباره سیاست خارجی در بافت‌های اجتماعی و اقتصادی داخلی اثر می‌گذارد، و کمترین اشتباه در این زمینه، سرچشمه دردهای بسیار خواهد بود که اثر آن تا سالهای سال گریبانگیر کشور می‌ماند.

اینک روشن شده است که ایران نمی‌تواند در این منطقه پر آشوب و حساس جهان بصورت یک ملت بی‌دفاع باقی بماند.

اینک کشورهای منطقه یکی پس از دیگری به گرد آوردن، سلاح و نفر و سازمان و آموزش نظامی خواهند پرداخت.

پس از برخوردی که با حکومت نژاد گرای بعث عراق پدید آمد و سپس از ضرب شست‌هایی که دشمن خورده است، هیچکدام از کشورهای منطقه در آرامش نخواهند ماند، چه دوستان و چه دشمنان.

دشمنان، ما از آنچه گذشته است هشدار می‌دهند، در یافتن، و بی‌شک بر قدرت نظامی خود تا آنجا که ممکن باشد خواهند افزود، خریدهای شگرف و ناگهانی عربستان سعودی از بازار اسلحه جهانی، نخستین جلوه این دریافت است و بی‌تردید به دنبال عربستان سعودی سایر کشورهای منطقه هر کدام، در حد توانائی به نیرومند ساختن ارتش خود خواهند پرداخت.

دوستان ما، نیز با روبرو شدن با نیرومندی روزافزون دشمنان به ناگزیر در افزودن بر قدرت نظامی خود خواهند کوشید.

نبردی که در گرفت، و هنوز هم شعله‌های آن زبانه میکشد، آرامش اجتماعی و سیاسی را تا سالها از این منطقه جهان بدور خواهد داشت، زیرا ساخت اقتدار در منطقه بر هم ریخته است، و شکل‌گیری دوباره آن، و استوار شدن حالت تعادل، به آسانی و به زودی میسر نمی‌باشد.

در ساخت دوباره اقتدار، هر کشور خواهد کوشید که پایگاهی و جایگاهی اطمینان‌بخش‌تر به کف آرد و این تلاش کشورها به گونه‌ای مسابقه قدرت بدل خواهد شد و شرار آن چندان بالا می‌گردد که همه کشورها را در خود خواهد سوزاند.

پدید آمدن چنین مسابقه قدرتی در منطقه، در پس جنگ حاضر حتمی و قطعی است و هر کشور باید سرنوشت خود را در آن جستجو کند.

در ورای چنین مسابقه و در خارج آن، هیچ تصور قابل اجرائی نهفته نیست و مدار اصلی گردش سیاست منطقه در سالهای آینده همین مسابقه نیرومند شدن خواهد بود.

جنگی که درگیر شده به روشنی این نکته را ثابت کرده که نیرومند بودن، علاوه برداشتن ایمان به ارتشی کارآمد و سازمان یافته و آموزش دیده و تجهیز شده نیازمند است، چنانکه

اگر ایران نیروهای هوائی و دریائی و رزیده و نیرومند کنونی را نمی‌داشت برای رهائی از توطئه‌ها با دشواری‌های بسیار بزرگ روبرو میشد و شاید هم از مهلکه کارزار به سلامت بدر نمی‌آمد. جنگ حاضر به درستی ایران را آگاه کرده است که می‌باید از جهت نظامی نیرومند و نیرومندتر باشد و این درسی است که همه کشورهای منطقه فرا گرفته‌اند.

جنگ بهر صورت و در هر زمان خاتمه یابد راهی بر ایران گشاده نیست، مگر آنکه با سرعت به نیرومندتر ساختن خود بپردازد. نیرومند گشتن هم در گرو داشتن ارتش توانا و اقتصاد پویا می‌باشد.

یکی دیگر از شرایط اقتدار در منطقه، داشتن دوستان و هم‌پیمانان قابل اعتماد است که باید در کنار ارتش مقتدر و اقتصاد متحرک در جستجوی آنان هم برخاست.

فراهم آوردن همه اینها نیاز به کوشندگی در متن شبکه پیچیده و بسیار پیچیده سیاست‌های جهانی دارد. نمی‌توان اقتصاد پویا و ارتش توانا و دوستان وفادار داشت، ولی در پیچیدگی‌های سیاست‌های جهانی قرار نگرفت. قرار گرفتن در

متن پیچیدگی‌های سیاست‌های جهانی نیز خطری بزرگ بر فراز کشور ما به پرواز در می‌آورد، خطر وابستگی. برای آنکه از وابسته شدن دور بمانیم و برای آنکه در متن سیاست‌های جهانی هم کوشا باشیم و هر آنچه را که نیاز داریم از مجموعه در هم پیچیده آن بدست آوریم به کادر کاردان و کارآمد سیاسی نیاز داریم.

فرو غلطیدن به موجهای سیاست‌های جهانی و از آسیب آن در امان ماندن، نه کاری است خرد، و دو خطر اساسی در این راه ایران را بشدت تهدید میکند. یکی فرقه‌گرایی و دیگری آسان‌پنداری.

بر آوردن خواسته‌هایی که بر شمرده شد نیاز به آن دارد که جوشنده‌ترین استعدادها را یافت. و در دوران آموزشی طولانی و چند ساله در طی مرحله‌های گوناگون، آنها را پرورش داد تا به اجرای این مسئولیتها قادر آیند.

تصور اینکه هر نوجوان از مدرسه برآمده یا هر صاحب ایمان پر شور، توانائی آن را دارد که در چنین مهلکه‌ای فرو غلطد و سالم و پیروزمند از موجش بدر آید، تصوری است باطل و باید از همه ذهنها، ساده‌اندیشی و آسان‌پنداری شسته شود.

پیمودن راهی که گفته‌اند صدها پیچ و خم و هزارها دام و دامگستر دارد و غلطیدن به چنین مهلکه‌ای نیاز به قدرت آینده‌نگری، و قدرت درک واقعیتها در ورای پرده‌های ظاهر فریب دارد. در بازار آشفته سیاست‌های جهانی به آسانی میتوان گم شد، بی‌آنکه به گم بودن خویشتن پی برد.

پس از پیروزی انقلاب، اصل ناوابستگی راهنمای سیاست خارجی ایران قرار گرفت ولی این اصل، در همین حد و به صورت یک اصل فکری و فلسفی باقی ماند.

هیچ اصل فکری و فلسفی، بخودی خود، قابلیت اجرائی نمی‌یابد، و میباید بر هر اصل فکری و فلسفی، یک مکانیزم اجرائی کامل و دقیق بار شود. ولی سیاست خارجی ایران از پدید آوردن چنین مکانیزمی عاجز آمد و از همین رهگذر در روابط خارجی کشور با یک حالت رکود و بی‌حاصلی روبرو شد.

سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب از تلاش و تقلا بازماند، و به دلیل آنکه نتوانستند مکانیزم مناسب برای سیاست خارجی فراهم آورند: آرام آرام، همه زمینه‌های این پرجنب‌وجوشترین جلوه‌های زندگی ملی از کف رفت، و یا دست کم به صورتی «بیخ بسته» درآمد و اگر کار بر همین منوال ادامه یابد، به زودی، وزارت خارجه هم چون وزارت ارشاد ملی، سازمانی غیر لازم به نظر خواهد آمد و آنگاه می‌باید برای تعیین چگونگی انحلال آن به گفتگو نشست.

سیاست خارجی ایران، در گذشته، فضا و شیوه و مکانیزم‌های خاصی داشت که با پیروزی انقلاب بدرستی همه آنها طرد گردید ولی چیزی بجای آنها نشانده نشد.

همچنانکه برای وزارت ارشاد ملی و دست بالاتر سازمان برنامه و برای هیچکدام از دستگاههای دولتی نتوانستند، حیات تازه‌ای تدارک ببینند.

همه این نهادها برای پیشرفت کشور به شدت ضروری است ولی بکار انداختن آنها در راه درست و بهره گرفتن از آنها آگاهی‌ها و توانائی‌ها می‌خواهد. اگر سیاست خارجی ایران «بیخ بسته» نبود عراق هرگز جرئت نمیکرد این چنین جسورانه بر مرزهای کشور بتازد.

امروز دست اندرکاران حکومت سربه‌ابر میسایند که هجوم صدام حسین را عقیم گذاشته و بر لشکر و سازمانهای اقتصادی عراق ضربه‌های سنگین وارد کرده‌اند.

ولی صدام حسین کیست که یارای آن را بیابد تا به مرزهای ایران انقلابی هجوم آرد، اینکه موجودی چنین ناقابل فرصت آن را یافته که شهرها و روستاها و سازمانهای بزرگ اقتصادی و نظامی ایران را به ویرانی و آتش بکشاند گناه از خود کاربدستان است.

سرکوب کردن صدام حسین نباید کسی را بفریبید و دچار غرور سازد برعکس جسارت یافتن صدام حسین برای تاخت آوردن به ایران، باید دولتمردان را به اندیشه فرو ببرد.

چرا آنقدر در پدید آوردن سیاست خارجی جاندار و پرتوان برای ایران مسامحه کردند که صدام حسین خیال پیروزی بر ایران را در سر بهرورد.

امروز هم دلخوش کرده اند به اینکه با وجود وامانده تیرمروزی به نام «ملک حسین» در گیر باشند، ملک حسین را «شاه حسین» نامیدن و از وی چند تصویر در روزنامه‌های تهران چاپ زدند، اوج تهاجم سیاست خارجی ایران شده که به راستی دردناک است.

اگر سیاست خارجی کشور کارآمد و پویا می‌بود، نه صدام حسین چنین خیالهای خامی در ذهن می‌بخت، و نه ملک حسین یارای آن را مییافت که از «پیروزی بر ایران» دم بزند.

این ملک حسین، همان کسی است که پس از پیروزی انقلاب در ایران، زبان به نکوهش شاه خلع شده، یار دیرین خود، گشود و او را «دور از معنویت» خواند و بدین سان، نسبت به ایرانیان چاپلوسی میکرد. این موجود ناچیز، با آگاهی بر درماندگی خود در برابر قدرت و درخشندگی انقلاب اسلامی ملت ایران دم می‌جنباند، و عذر گذشته می‌خواست.

ولی اینک چه شده است که این «گره کمر شکسته» اشتمل سر میدهد، جان گرفتن و به زبان درآمدن این نگون‌بخت، ناشی از «بیخ‌بستگی» سیاست خارجی کشور می‌باشد و هیچ علت دیگر ندارد.

حشراتی که یک روز به کنج لانه‌های خود خزیده بودند و از حشمت انقلاب، بر خود می‌لرزیدند اینک سر از لانه به در کرده و آواز می‌خوانند.

راست است که جلوه‌گری‌های اینان به پشتگرمی اربابان و فرستندگان ایشان است ولی اگر سیاست خارجی ایران پویائی و توانائی از خود نشان میداد، این گروه هرگز یارای چنین «خوش‌خدمتی»‌هایی نمیکردند.

ایران انقلابی، می‌رود که صدام حسین را به جای خود نشاند، و دیگران را هم بجای خود خواهد نشاند ولی قیمتی که برای این کار پرداخته شده کم نیست.

شعله‌ور شدن جزیره زیبای آبادان برای سرکوب کردن صدام حسین و ملک حسین، قیمت سنگینی است.

اینک باید به خود آمد و بر آگاهی‌ها و توانائیهای خود افزود و بر سیاست خارجی کشور مکانیزمی شایسته ترتیب داد، اصل فکری فلسفی و ناوابستگی را در خطوط اجرائی روشن به کار بست.

نباید پنداشت که جهان تسلیم جهانخوارگان است. در فراخنای گیتی، نغمه آزادی چنان بلند و پرغوغا است که خواب از دیدگان جهانخوارگان در می‌ریزد. بر ایران انقلابی

است که از این نیروی بزرگ یاری بجوید. در راه گستردن سیاست خارجی و به حرکت درآوردن و ثمربخش ساختن آن، دو دشواری بزرگ وجود دارد، فرقه‌گرایی و آسان‌پنداری.

اگر دولتمردان این دو آفت را از نهانخانه ذهن خود بهزادیند و به پیچیدگی پدیده‌ها و ارج آگاهی‌ها باور آورند. امیدهای بسیار پدید می‌آید و گرنه دشواری از پس دشواری رخ خواهد نمود.

# نیرومند با دارتشی جمهوری اسلامی ایران







ارگان حزب ملت ایران

### میهن از نوجان میگیرد

انقلاب اسلامی ملت ایران، بنیادی‌ترین خواسته‌های خود را «اصل استقلال» قرار داد و در پیوند با آن بسیج کرد و بسیاری از خواسته‌های دیگر، از جمله «اصل آزادی» و «اصل عدالت» را که وجود آورنده رابطه‌های انسانی و پایان دهنده هر نوع ستم در اجتماع است، در محور استقلال دانست.

این امر خود ساخته و خود جوش بیانگر این واقعیت است که مردم، «هویتی» خاص داشتند و آنرا در زیر سلطه بیگانه می‌دیدند و در مکانیسم آن خود را اسیر شده «نظام استبدادی» می‌دانستند و ستمهای گوناگون اقتصادی و اجتماعی را در این رابطه‌ها تشخیص میدادند.

انقلاب ایران برهم زنده این شالوده استعمار ساخته بود و عزم کرد تا «هویت» استقلال یافته ایرانیان را در مسیر آزادی و عدالت قرار دهد و بزبان دیگر ساکنان این سرزمین تاریخی، از نو، زندگی ناوابسته و انسانی را آغاز نمایند.

روشن است که بازسازی «هویت آسیب دیده» نه تنها بمعنای انکار موجودیت آن نبود بلکه اعتبار بخشیدن و شکوه دادن جدیدی را بر پایه جدول ارزشهای انقلاب در بر داشت. حرکت تاریخی مردم بیخاسته ایران، بازگشت به «خود» را هدف قرار داد اما به علت سلطه‌های فرهنگی کانونهای سیاسی نظم جهانی غربی در دو سده اخیر و بیماریهای گوناگون «از خود بیگانگی» نزد گروههای چیره گرداخی، «خود» بنیاد مند ایرانی، در مسیر شناخت درست نیافتاد، چه کارگران فرهنگی استعمار با شیوه‌های چندگانه، زهری کار ساز در رابویمهای پنهانی و جدان پیش راندهندگان دوران سازندگی انقلاب ریخته بودند.

در دو سده اخیر، بیگانگان در خط سلطه جوئی و بهره کشی از ملتها و تداوم آن، نابودی «هویت»ها را در برنامه گنجانده بودند.

جهان میهنی با نقاب عدالتخواهی (کسموپولیتسم چپگرا) تلاش میکرد تا با ایجاد تزلزل و نابود کردن ارزشهای تاریخ ساخته و استوار «هویتها» نوع خاصی از «سلطه‌گری» را پایداری و استمرار دهد و برای رسیدن به این هدف از تبلیغ بخش‌های ویژه و با اثر ارزشهای انسانی چون عدالت اجتماعی بر خورداری جسته و آن سان اندیشه خود را آمیخته با «حقانیت‌جمله میداد که حتی توان دفاع از هویت راز انسانهای زیر سلطه سلب میکرد بگونه‌ای که ملت گرائی و عشق به فرهنگ خودی با خوردن «مهر ارتعاع» گناه نابخشودنی بشمار میرفت.

جهان میهنی با نقاب آزادیخواهی (کسموپولیتسم راست‌گیرا) آنهم تلاش در ویرانگری بنیادهای فرهنگی «هویت»ها را هدف قرار داد و با آن به ستیز برخاست و در خطا

### بقای ملتها و ترسیم کننده جاودانگی آنها است.

هویت ایرانی بدنبال جنگ تحمیلی امپریالیستها توسط حکومت نژاد گرای بعث عراق بر نظام جمهوری اسلامی ایران، زنده‌تر شد و پویایی بیشتری یافت.

آشکار گردید که هویت ایرانی واقعیتی است انسانی ریشمدار و آینده‌ساز، حقانیتی است که در «ناکجاآباد» شکل نگرفته، در زمین‌های هزارهای خود ریشه دارد. هویت ایرانی که در ابتکار و سازندگی هستی یافته و در همه زمینه‌های مادی و غیرمادی خلافت انسانی و جهان یار نشان داده است، در این روزها که زمین و آسمانش، بیش از همه وقت تقدس خونین پیدا کرده، روشن ساخته است که با، خاستگاه خود، پیوند ناگسستنی دارد و این است یکی دیگر از رمزهای انسانی زندگی تاریخی ملت ایران.

### جنگ دست‌نشانده

امپریالیستها با میهن ما، با این زادگاه بزرگترین حرکتهای تاریخ، یعنی انقلاب اسلامی ملت ایران، و دفاع خونین و همگانی مردم از خانه نیاکان خود، نشانگر این واقعیت است که برغم همه تبلیغات استعمارپسندانه بی‌مایگان «ریشه بر باد ده»، مردم این سرزمین گسترده دارای ویژگیهای یک «ملت» هستند میهن جاویدان آن ایران است و این ملت ریشمدار در میهن خونین فرهنگ و رو فرهنک‌ساز است و حرکت انقلابی آن تجلی این حقانیت تاریخی است.

بی‌آنکه مردم این سرزمین خود را «محور» جهان بدانند و به بیماری «قوم‌مداری» و «نژاد‌گرایی» گرفتار آیند، بی‌آنکه مردم این سرزمین، احساسات بی‌شومنی و خاک‌پرستی پیدا کنند، بی‌آنکه مردم این سرزمین، نسبت به ملتهای دیگر و سرزمین‌های دیگران چشم طمع بدوزند و آزمندانه بخوانند استقلال ملتهای بیخاسته جهان را دچار تزلزل سازند، میخواهند، به حیات ملی آنها ارج نهاده شود، سرزمین آنها و همه مرزهای تاریخ ساخته آنها از گزند دشمنان ایران درامان بماند و برای این خواست انسانی و اسلامی می‌جنگند و بی‌هیچ سازش و ترس، تا آخرین نفر و تا آخرین نفس خود پایداری نشان خواهند داد.

پندار گرایان چپ و راست بی‌مماران «الستقاطی» و انحصار گرایان ناآگاه و خودپسند و همه آلت‌های وابسته بخود آیند و بیهوده تلاش نکنند، تا واقعیت این بیخاستگی و پایداری را واژگونه جلوه دهند.

جنگ تحمیلی دولت مزدور یعنی عراق، با همه بدیها و زشتکاریها از جنبه مثبت به «خودآئی» برخوردار بود که نخستین ثمره‌اش آشکار ساختن عشق به میهن و پاسداری از آن در برابر دشمنان میباشد. این جنگ نشان داد ملت

### از گسترش بیکاری جلوگیری کنید

آن در گوشه و کنار خیابان‌ها پرداخته‌اند و در عمل طرحهای اشتغال‌زا و شرکتهای تعاونی بکار گماری بیکاران تحصیل کرده دردی را دوا نکرده است، از زمان تهیه این طرحها و تأسیس شرکتهای در مراکز گسترش واحدهای تولیدی و خدماتی در استانداریها که بکمک وزارت کشور و وزارت کار و امور اجتماعی بوجود آمده است شاید در سراسر کشور تنها توانسته باشد عدهای نزدیک به بیست هزار نفر را جذب نماید که این شمار در برابر خیل بیکاران قطره‌ای در دریاست.

بولتن‌های فارغ التحصیلان بیکار، چندی پیش بر اساس آمارهای قبل از انقلاب و برخی تخمین‌ها تعداد بیکاران را دو میلیون و دویست هزار نفر دانست و در سمینار بررسی مسائل اقتصادی که چندی پیش با شرکت اقتصاددانان در تهران تشکیل شد تعداد بیکاران را بیش از دو و نیم میلیون نفر اعلام داشت.

بیکاری بیداد میکند و با کمال تأسف بصورت بفرنجی درآمد است و بر خورد نادرست کار بدستان نسبت به آن باعث عدم رضایت‌های فراوان گردیده و اکنون که دومین سال انقلاب رو به پایان است نه تنها دورنمای قابل قبولی برای جذب بیکاران در افق پدیدار نیست بلکه نارسائی‌های قانون کار نیز که به اخراج‌های فردی و گروهی کارگران شاغل می‌انجامد، خود زمینه نامناسبی برای تحریک‌های ضد انقلاب فراهم می‌آورد.

بدون شک زشتکاریهای نظام پیشین که در خدمت بیگانه بود، مسئولیت سنگینی را برعهده انقلاب نهاده است که به این سرعت در ظرف امروز و فردا انجام شدنی نمیشد، ولی گره کار در آن می‌باشد که هنوز هیچ اقدام بنیادی برای انجام این وظیفه بزرگ بعمل نیامده است.

درست است که طرحهایی شبیه طرح اشتغال از راه ایجاد شرکتهای تعاونی، برای بیکاران در بهبود وضع بی‌تأثیر نخواهد بود، ولی علاج کامل درد نیست. چاره قطعی بیکاری اجرای برنامه‌های گسترده صنعتی و کشاورزی و عمرانی در دراز مدت و کوتاه مدت است که میتواند این بفرنج را بطور نهائی و بنیادی از میان بردارد.

در شرایط کنونی که کشور در حال جنگ بسر میبرد، بیکاری بنحو دیگری گسترش مییابد، زیرا تولید و آبادانی منطقیهای جنگزده را که شده و کارگرانی که در واحدهای صنعتی یا کشاورزی یا ساختمانی در آنجاها مشغول بوده‌اند به اجبار، بیکار شده و به سپاه بیکاران افزوده گشته‌اند.

بدکی و یا دشواریهای دیگر، تولید دچار توقف و کارخانه بتدریج تعطیل و ناگزیر کارگران بیکار شدند.

ایجاد نابسامانی‌ها در واحدهای صنعتی دولتی و دخالت‌های بی‌رویه زیر نام شورا مدیریت در برنامه و چگونگی تولید و همچنین دست‌بندهای گوناگون عاملی ترمز کننده بشمار آمد و باعث کم‌کاری، بیکاری و حتی تعطیل کارخانهها گردید.

هجوم دیپلمه‌ها برای ادامه تحصیل به مرکزهای آموزشی و فراهم نبودن محل تحصیلی برای آنان و همچنین عدم جذب آنان در بازار کار چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی عامل دیگری برای بوجود آمدن بیکاری گردید و بطوریکه سال گذشته بیش از پانصد هزار دیپلمه به خیل بیکاران اضافه گردید.

تعطیل بسیاری از هتلها و رستورانها و باشگاهها و مکانهای تفریحی و جذب کننده توریست باعث بیکاری کارکنان آنها شد. فزونی کارمندان دولت در بعضی از سازمانها و پاکسازی بی‌برنامه و بی‌ضابطه در سطح کشور باعث عدم اشتغال در این قشر از مردم گردید.

علت اساسی ادامه بحران بیکاری بی‌برنامگی دولت را میتوان نام برد. دولت نه تنها فاقد برنامه روشن اقتصادی میباشد، بلکه ناآگاهی و ناتوانی کاربردستان در کلیه شئون صنعتی و کشاورزی و عمرانی خود بحران بیکاری را در این شرایط تشدید مینماید.

کوشش پراکنده ارگانهای دولتی برای رفع بیکاری اثر چندانی نداشته است، هزاران نفر در همه سطح‌های تخصص برای گذران زندگی به کارهای کاذبی شبیه ماشین پاک‌کنی، بساط اندازی، روزنامه‌فروشی و مانند

بزرگ ایران، چون روزهای خونین انقلاب یگانگی خود را حفظ کرده است و از انقلاب خود و ارزشهای والای آن پاسداری میکند و مثل همیشه ایران زمین را پایگاه بنیادمند ارزش‌های آرمانی و دینی خود میداند و انسان گفته رهبر آگاه انقلاب «عزت و شرف و میهن و دین» در پیوند و یگانگی قرار میگیرند، که قطره قطره خون جانبازان نبرد میهنی در میدان جانبازی، با لحظه لحظه جاودانگی پیوند می‌یابد و شهادت مفهوم جدید آسمانی خود را بدست می‌آورد و شهیدان ایران زمین در کاروان خداجویان، در راه خدا و در آسمان خدا و بسوی خدا پرواز میکنند.

چنین است شکوه یکپارچگی ملت و چنان باد همیشه، و دور باد نیرنگ و کردارهای اهریمنی همه تلاشگرانی که در نابودی آن گام بر میدارند و بی‌هیچ تردید یا نادان هستند یا سرسپرده بیگانگان در به بیراهه کشیدن انقلاب اسلامی ملت ایران. تاریخ در این مورد داوری خواهد کرد که تاریخ بهترین داور است.

در زمان جنگ کشور درگیر، باید برنامه اقتصاد جنگی خود را اعلام دارد، اقتصادی که مبتنی بر تولید بیشتر، مصرف کمتر و کاهش نیازمندیها باشد، در زمان جنگ باید واحدهای صنعتی، کشاورزی و آبادانی با کار بیشتر وضع اقتصاد را در حالت تعادل نگاهدارند و مراکز تولید با توجه به نیازهای زمان جنگ خط تولید را تغییر داده و آنچه ضروری است تهیه و در دسترس مردم قرار دهند.

باید بکارگران و کشاورزان و به مردم آموخت که چگونه واحدهای تولیدی را نگاهداری نمایند.

و بر بازردهی آن بیفزایند و اشتغال را در این شرایط خاص به بیشترین اندازه برسانند.

در زمان جنگ ماشین‌های کارخانهها بر اثر دشواریهای گوناگون از کار می‌افتد و تولید دچار وقفه میگردد، برای جبران ضرر باید نیروی انسانی دارنده تخصص را در کارخانه تا آخرین لحظه نگاهداشت که کودی پیش نیاید و مهندسان و افراد فنی آخرین کسانی هستند که باید به جبهه اعزام گردند.

باید کوشید که از وجود زنان برای برپا نگاهداشتن تولید در کارخانهها و کارگاهها استفاده نمود، درست است که زنان چون مردان نمیتوانند در جبهه‌ها حماسه آفرینی کنند ولی مهمتر از خط جبهه پشت جبهه است که با استواری و نظم بتوانند نیازمندیها را تهیه و تامین نماید.

در اقتصاد جنگی باتوجه به بسته شدن مرزها و عدم ورود و خروج مواد غذایی، تولید داخلی این مواد از راه برنامه‌ریزی کشاورزی و صنعتی زمان جنگ یکی از برجسته‌ترین کارها است که میتواند جذب گروه کثیری از بیکاران را نیز در بر داشته باشد. با برنامه‌ریزی‌های خاص باید از نیروی مردم بیکار برای جاده‌ها، ترمیم خرابی‌ها از جمله وظیفه‌هایی است که باید مورد توجه سریع قرار گیرد و با ایجاد گروههای کار بطور ضربتی بعمل پرداخت.

در حال حاضر تولید در مناطق جنگزده جنوب و غرب کشور بسیار پائین آمده و شاید راکد شده باشد، بسیاری از مردم با کمبودهای غذایی و سوختی روبرو هستند، باید دولت با برنامه اقتصاد جنگی خود، مردم آموزش دهد که مصرف خود را پائین آورده و برای تحمل کمبودها بسیج شوند و با برنامه‌ریزی‌های صحیح باید همه چیز در جهت دفاع و پیروزی کشور رانده شود.

**همکار ارجمند جناب آقای دکتر احمد دانش**  
غم عزیز از دست رفته شما را که در راه دفاع از ملت ایران و استقلال وطن به درجه رفیع شهادت نائل گشت، به جنابعالی و خانواده محترم تبریک و تسلیت می‌گویم.  
دکتر بهروز برومند  
سرپرست دانشگاه علوم پزشکی ایران

## سرنگون باد حکومت نژاد گرای بعث عراق



ارگان حزب ملت ایران

## زمینه‌ی شایعه‌سازی را از میان بردارید

زندگی، ایشان را به تنها به سرای دیگران بیورد. مردم ما، «بر در ارباب بی‌مروت دنیا» نمی‌نشینند، و «عطای آنان» را به «لقایشان» می‌بخشند. و سزور گوار نه، «سمرقند و بخارا» را به پای محبوب می‌ریزند.

«رجز خواندن»، «حماسه آفریدن» و پوستین قهرمانی بر دوش افکندن، و «نشان پهلوانی» به بازو بستن، از دلپذیری‌های زندگی مردم ایران است. در برابر میهمان، کاجال و خوراک نکسو و پاکیزه داشتن، و هر نارسانی و تنگی را از وی نهان کردن، شیوه شناخته شده زندگی خانواده‌ها است.

این خصلت‌ها که ما را در عزت بخشیدن به خویش یاری می‌رساند، در فرهنگ ما، با نام «رودریاستی» شناخته شده است.

اکنون، خصلت «رودریاستی» داشتن» به نظام سیاسی ما راه یافته است و دولت مردان ما، چنان می‌نمایند، که با ملت خویش، به رودریاستی دچار آمده‌اند.

اگر خصلت «رودریاستی» در نظام خانوادگی سرچشمه خوشایندی‌ها است، در نظام سیاسی، سرچشمه دشواری‌ها است.

دولتمردان میهن ما، نمی‌خواهند کاستی‌ها را چنانکه هست در برابر چشم مردم باز گشایند و همگان را از آن آگاه دارند.

دولتمردان ما، شوق آن دارند، که چون خانواده‌های ایرانی، فقط کاشانه و کاجال و خوراک پاکیزه و گوارا بر مردم عرضه کنند، و از آشکار داشتن پیریشانی‌ها، سر می‌پنچند، و می‌کوشند از گفتن خبرهای ناخوش دوری گیرند، و باز گفتن این خبرها را از زبان دیگران خوشر می‌دارند.

آنان نمی‌خواهند سخنی که دلها را به درد آرد به گوشها به رسانند و شاید هم اینگونه سخنان را با شوکت خویش، در خور نمی‌یابند.

دولتمردان ما، ماهها و ماهها، هفته‌ها و هفته‌ها، در پی هم رجز خوانده‌اند، و از کاردانی‌ها و توانائی‌های خود، افسانه‌ها سروده‌اند.

دولتمردان ما، آبشاری از واژه‌ها، در درست اندیشی خویش و نارسانی اندیشه دیگران، بر سروروی مردم ایران باریده‌اند...

دولتمردان ما، خویش را بر جایگاهی بس والا نشانیدند و از آن بالاها، برهر اندیشه و هر گفتار و هر نوشتار، تهمت نارسانی فرو بستند، دولتمردان ما، قدر هر کس را شکستند و از پاسداری حرمت‌ها دریغ ورزیدند و چنان وانمودند که گویا داروی هر درد در داروخانه ایشان است و گشاینده هر فرو بستگی، حکمت والای آنان، و اینکه که دشواریها روی نموده، راهی نمی‌یابند، جز آنکه دشواری‌ها را بپوشانند.

دولتمردان ما، به پیروی از حکایت گلستان سعدی، «نقصان مایه» را نه از «همسایه» که از

سرچشمه‌ها، آب می‌خورد. «شایعه» رواج دارد، و بسیار هم رواج دارد، و با زور و زندان هم نمی‌توان از رواج آن جلو گرفت، چرا که رواج آن در این زمینه‌های پایدار و منطقی ریشه دارد.

برای آنکه از «شایعه» جلوگیری شود، تنها راه آن است که خبر رویدادها، و همه خبرهای آن، با دقت و جزء به جزء با سرعت به آگاهی همگان برسد. هیچ راه دیگری جز این در میان نیست و پنهان نگاهداشتن رویدادها هم هرگز میسر نبوده و اکنون هم نمی‌باشد.

به جای آنکه «شایعه‌سازان» را بازداشت کنند، باید زمینه‌های رواج «شایعه» را از میان بردارند و اندیشه دولتمردان ما از اینکه خبرهای ناگوار را به مردم ندهند، و فقط خبرهای شیرین و دلپذیر را به رسانه‌های همگانی بدهند، اندیشه‌های است باطل. خبرها و رویدادها به راستی از آن مردم می‌باشد و تلخ و شیرین آنها سرانجام به مردم می‌رسد. این مردم اثر می‌گذارد و شوق مردم به آگاهی از آنها از حقوق مسلم و انسانی ایشان است.

گرفتن این حقوق از مردم، صرف نظر از آنکه ممکن نمی‌باشد، کاری است غیر عادلانه.

اگر دولتمردان ما می‌پندارند که رسانیدن خبرهای تلخ به مردم در روحیه ایشان اثر ناگوار به جا می‌گذارد، سخت در اشتباه‌اند.

روحیه ملت ما، در زیر و بم حادثه‌ها چنان استواری پذیرفته، که هیچ خبر ناگوار آنرا به تلاطم نخواهد افکند و هر خبر هر قدر دردناک باشد با نیروی روحی شگفتی که در ملت ما پدید آمده تاب برابری ندارد. ملت ما، در کوره رویدادها، اینک چنان توانا و سرسخت شده، که هر حادثه را، هر قدر تلخ و ناگوار، چون پیشامدی طبیعی می‌نگرد و برای ستردن اثرهای آن به تلاش برمیخیزد.

ملت ما، هرگز بر قالیچه ابریشمین و در میان نقل و نبات، به سر نبرده، سراسر زندگی ما تلخی و گیرو دار و ستیز بوده است.

ملت ما قرن‌ها است که در «چشمه عشق وضو ساخته» و بر هر تلخی و شیرینی «چهار تکبیر زده است» ملت ما، سالها است که «غمها» از «دورزمان» دیده و هر غم را که پیش آمده، «بر سر غمهای دگر» نهاده و پنهان نگاهداشتن رویدادهای ناگوار از این مردم نه روا است و نه کار درستی، در سیر و چگونگی رویدادها، نشانی از زندگی و سرنوشت خود و فرزندان خود می‌یابند.

شوق مردم به آگاهی از رویدادها تنها از این جهت‌ها هم نیست، آنها می‌خواهند که بر سیر رویدادها اثر بگذارند. مردم از اینکه فقط عامل پذیرایی حادثه‌ها باشند، احساس دل‌تنگی می‌کنند و در معرکه‌هایی که سرنوشت نسلها تعیین می‌شود، بی‌حاصل ماندن، کاری است بسیار ناگوار.

شوق مردم به آگاه شدن از رویدادها زمینه‌های سیاسی و اجتماعی دارد که همه کس به فراستی می‌تواند آنها را دریابد و نیازی به یادآوری و باز گفتن آنها نیست و آنچه در عرف حاضر به نام «شایعه» شناخته شده از این

مردم آن خبرها را هم به چشم

دیدند و بر کسیدن ریشه‌ها و عامل‌های خبرهای ناگوار، دلیریهای افسانه‌ای کردند. ملت ما، توانا است، و پابرجاست. ملت ما، چون کوهی است که هر تندباد حادثه را از سر می‌گذراند. آن را چون شاخه نازکی ندانید که به هر نسیم خم می‌شود. ملت را در جریان رویدادها بگذارید و بخواهید که جانانه تلخی‌ها را بسترند.

ملتی که این چنین قهرمانانه می‌جنگد، از شایعه و شایعه‌ساز چه هراسی تواند داشت.

دستگیری مردمان به عنوان «شایعه‌ساز» در خور رزم شکوهمند ملت ایران نمی‌باشد و بازداشت کردن راننده تاکسی به عنوان «شایعه‌ساز» خنده بر حرمت رزمندگی است.

ملت ما، و رزم ما، و استواری ما، والا تر از آن است که راننده تاکسی را به گناه باز گفتن خبرهایی راست و ناراست، به بازداشت بکشد. این بی‌حرمتی را از رزم ما و انقلاب ما بردارید و همه آنها را که به گناه «شایعه‌ساز» بازداشت کرده‌اید رها کنید و ملت را در جریان خبرها بگذارید و به قدرت و غرور او اعتماد کنید.

پندار دیگری که در این رهگذر به ذهن می‌نشیند ناتوانی دولتمردان در پذیرفتن نارسانی‌ها است.

دولتمردان ما باز گو کردن خبر نارسانی‌ها را خدشه بر شان و مقام خود می‌بینند و چنان می‌پندارند که اعلام نارسانی‌ها از قدر و منزلت آنان می‌کاهد و هراس از این کاهش است که ایشان را به پرده‌پوشی می‌کشاند.

این پندار دولتمردان هم نادرست می‌باشد و هیچکس به کارخانه دوران و به کارگاه تاریخ سند نسپرده است که هرگز با کمی و کاستی و تنگی و نارسانی برخورد نکند.

صحنه‌های سیاست و اقتصاد و جنگ انباشته از فراز و نشیب‌ها است و در جهادی این‌سان گسترده و پرشکوه، ناگواری‌ها هست و دلپذیری‌ها.

از هیچ دولتمردی نمی‌توان انتظار داشت که هیچگاه خبری ناگوار اعلام ندارد. ناگواری‌ها هرگز از منزلت آنان نمی‌کاهد، ولی پوشیده داشتن ناگواری‌ها به راستی که قدر ایشان را کاستی می‌بخشد.

ولی اگر ناگواری‌ها چندان فزون باشد که اعتبار دولتمردان را از قلبها بگیرد، آنگاه کتمان ناگواری‌ها، گناهی بزرگتر از آن است که گفتیم. بی‌گفتگو برخی، و شاید بسیاری از دولتمردان ما، در کار خود ورزیدگی و چالاکی نشان نداده‌اند و خبری برای گفتن ندارند، یا هر خبر که دارند از ناگواری‌ها داستان می‌زنند.

در چنین حالی می‌باید دولت مردان کار زمامداری کشور را به دیگران بسپارند و خود به حکمت و بلاغت بپردازند، که آن خود نیز کاری است درخور، اما گمان آن‌می‌رود که اینگونه دولتمردان، در حکمت و بلاغت هم نصیبی نبرند.

## در حاشیه جنگ ایران و عراق

بمنظور جلوگیری از قیام مردم عراق، نیروهای نظامی در بغداد مستقر شدند.

حرکت مردم مسلمان عراق در تلگرافی به دادگاه بین‌المللی لاهه، از جنایتهای حزب بعث عراق در زندانها پرده برداشت و از آن دادگاه در براندازی رژیم صدام کمک خواست.

خبرگزاری لیبی گزارش داد دبیرخانه دائمی کنگره خلقهای عرب ضمن صدور یک بیانیه، از ایران پشتیبانی کرد.

هفته نامه انگلیسی «اگنومست» نوشت، این جنگ نه تنها ایران را از هم جدا نکرد، بلکه موجب وحدت مردم شد.

آسوشیتدپرس، از قول یک مقام عالی‌رتبه اردنی اعلام کرد: اردن از نظر مادی، سیاسی و اخلاقی از عراق، در جنگ با ایران، حمایت میکند و در صورت ضرورت، آماده است نیروهای نظامی خود را بکمک عراق اعزام دارد.

رئیس ستاد مشترک ارتش سوریه گفت صدام حسین یک خائن است و اقداماتش دقیقاً با انورسادات هماهنگ میباشد.

نخست وزیر اردن پس از سفر ملک حسین به عربستان گفت: شاه اردن و شاه عربستان، در مورد حمایت از عراق کاملاً تفاهم دارند.

یاسر عرفات، برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، خواستار تشکیل اجلاس کشورهای غیر متعهد شد.

دولت ایران خواستار اعلام مواضع صریح کشورهای مسلمانان جهان در برابر تجاوز عراق شد.

رادیو دمشق در یکی از برنامه‌های خود گفت: «پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران، ساده‌ترین وظیفه یک مسلمان عرب است.»

رویتر، به نقل خبرگزاری دولتی عربستان سعودی اعلام داشت که ضیاءالحق حبیب شطی، مجدداً مأمور میانجیگری میان ایران و عراق شدند.

رویتر به نقل از مقامات نیروی دریائی فرانسه گزارش داد جدیدترین ناوچه موشک انداز فرانسه، عازم تنگه هرمز شد.

ملک حسین، برای جلب حمایت از رژیم صدام، به پنج کشور عربی خلیج فارس سفر میکند.

دانشجویان مستقر در جاسوسخانه آمریکا در اطلاعیه شماره ۱۴۸ خود گفتند: «تاسرنگونی رژیم صدام، هیچگونه مذاکره و صلحی در کار نخواهد بود.»

سفر کره شمالی، در ملاقات با حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، گفت:

پشتیبانی ملت و دولت کره شمالی از انقلاب ایران، قابل تغییر نیست.

کمیته پشتیبانی از استمرار انقلاب ملت ایران، به نمایندگی از انبوه بیشمار از مردم «اوکلند»، کالیفرنیا، ضمن اعلام حمایت خود از انقلاب ایران، اعلام کرد:

«ما قاطعانه در کنار مردم ایران در ادامه مبارزاتشان علیه دشمن مشترکمان، امپریالیسم آمریکا، هستیم.»

روزنامه ایتالیائی «پائسه سرا»، چاپ رم، در یکی از شماره‌های اخیر خود نوشت با طولانی شدن جنگ میان ایران و عراق، احتمال قیام مردم عراق علیه صدام حسین قوت گرفته است.

سازمان پیکار اسلامی عراق گفت: ارتش عراق دچار تزلزل شده و کنترل شهرها در دست سربازان اردنی است.

گزارش یونایتد پرس حاکی است بخاطر اختصاص کامیونهای اردن به حمل مهمات عراق، گوشت و دیگر مواد غذایی در شیخ‌نشینهای خلیج فارس نایاب شده است.

گزارش خبرگزاری پارس، به نقل از روزنامه نیویورک تایمز حاکی است که آمریکا آلمان غربی را برای ارسال ناو جنگی به خلیج فارس، تحت فشار قرار داده است.

دکتر سنجابی گفت عشایر کرمانشاه برای دفاع از میهن اسلامی هم قسم شدند.

ایران بار دیگر از حمله عراق به بیمارستانها و آمدادگران، به صلیب سرخ جهانی شکایت کرد.

قذافی، رهبر لیبی، گفت: «در صورت ادامه حضور نظامی آمریکا در منطقه، جنگ اعراب با آمریکا اجتناب ناپذیر است.»

دکتر افتخار، مشاور نخست‌وزیر گفت: «اسناد و مدارک لازم برای اثبات حقانیت ایران به شورای امنیت ارائه میشود.»

محمد علی رجائی، نخست‌وزیر ایران، پیش از اجلاس شورای امنیت، مدت یکساعت و چهل و پنج دقیقه با کورت والذهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، گفتگو کرد.

رجائی تقاضای کارتر، برژینسکی، ماسکی و کریستوفر را برای مذاکره رد کرد.

نخست‌وزیر ایران در مصاحبه مطبوعاتی خود پس از اجلاس شورای امنیت گفت: «تا زمانیکه دشمن در خاک ما است، با هیچ گروه و کشوری مذاکره‌ای نداریم.»

با وجود تضمین ایران مبنی بر باز نگاهداشتن تنگی هرمز، آمریکا، شوروی و دیگر کشورهای غربی حدود نود کشتی جنگی در اقیانوس هند و تنگی هرمز مستقر کرده‌اند.

وزیر دفاع مصر تأیید کرد یکهزار و چهارصد سرباز امریکائی و دوازده هواپیمای جنگی آمریکا برای مداخله در خلیج فارس به مصر میروند.

حبیب شطی پس از ملاقات با ملک حسین و صدام، به دیدار ضیاء الحق رفت.

یکصد و سی و یک تن از دانش‌آموزان و مردم بی‌دفاع در بمباران کرمانشاه شهید شدند.



از خبرهای هفته

آمدگی ایل بویراحمد برای دفاع از میهن

شهباز ضرغام پور از سوی ایل بویراحمدی تلگرامی به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران مخابره کرده و رونوشت آن را برای ریاست جمهوری اسلامی ایران و داریوش فروهر دبیر حزب ملت ایران فرستاده است که متن آن در زیر چاپ میشود. اگر چه پس از سالها مبارزه بارزیم سابق و فدا کردن عزیزان خود در راه آرمان خویش در آن ایام نکبت‌بار که بر کسی پوشیده نیست بانهایت تأسف در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران هم بر اثر فشار و تحریکات عده‌ای از مامورین از خدایی خبر و مغرض خودم و تمام کسان و یاران و ایل و تنبازم آسایش خویش را از دست داده و چند ماهی است که کنار گرفته و سکوت اختیار کرده‌ام اما اکنون که وطن عزیزمان مورد تجاوز قرار گرفته است گوشه‌گیری و خاموشی لگنه و ننگ دانسته ضمن تماس و وحدت نظر با سران دیگر ایلات جنوب خصوصا سران ایل قشائی آمادهم که بایاران خویش دلیران ایل بویراحمد دوش بدوش برادران ارتشی بامتجاوزین بحریم ایران عزیز پیکار نموده بشیوه نیاکان خودجان وهستی خویش را در راه حراست از این مرز و بوم کهن فدا نمائیم.

گسترش پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق

دفتر نظامی اتحادیه میهنی کردستان عراق در اطلاعیهای که در ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۹ برابر با ۱۸ اکتبر ۱۹۸۰ انتشار داد در گیری‌های پیشمرگان خود را بانبروهای دولت بعثی عراق مورد بررسی قرار داد. در این اطلاعیه آمده است «همزمان با تهاجم وحشیانه رژیم ضد خلقی عراق به روستاها و شهرهای جمهوری اسلامی ایران پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق دست به عملیات زیر زدند که طی آن ۳۶ مزدور رژیم فاشیستی حاکم کشته و یا محکوم به اعدام شدند و یک فروند سیخوی عراقی سرنگون شد. در این عملیات که از دهم سپتامبر تا دهم اکتبر روی داد ۴۲ نفر مزدور کشته و ۱۳ نفر مجروح شدند. علاوه بر این ۴ نفر از مزدوران استخبارات و مزدوران «الجیش الشعبی» نیز دستگیر و محکوم به اعدام شدند. این ۴ نفر مصطفی سید جلال در هریم ۵ و محمد خلیفه از شهر پنجوین، خلیل طاهر حسین که در جاده پنجوین سید صادق اعدام شد و شریف محمد امین مامور استخبارات کرکوک بودند. حکم آنان در دادگاه انقلاب خلق عراق صادر و به اجرا درآمد. از ۴۲ نفر کشته شدگان درگیریها ۹ نفر بر اثر انفجار مین در نواحی قره‌داغ ابراهیم آباد، چومان و بازیان بوده و ۳۳ تن دیگر در درگیریهای قله ماکوک، تالباریز، جوار فورنه، کورتک، هریم ۲، دره شهیدان جلجه، هولیر و پنجوین بوده‌است.

همچنین پیشمرگان اتحادیه میهنی سر باز خانه «توکل» را با توپهای ۶۰ میلی متری گلوله باران کردند که در نتیجه آن یک افسر و دوسرباز کشته شدند. در ۲۶ ماه سپتامبر هنگامیکه یک فروند سیخوی عراقی سنگرهای پیشمرگان در قره‌داغ را بمباران میکرد مسعود اصابت گلوله قرار گرفت در روستای «هه ثاره» قره‌داغ سقوط کرده و آتش گرفت.

علاوه بر این پیشمرگان اتحادیه میهنی به داخل شهر سلیمانیه نفوذ کرده و یک مزدور چیش شعبی را دستگیر و اتومبیل شماره ۶۰۶۱ او را مصادره و منفجر کردند. در این مدت پیشمرگان ۵ قبضه کلاشینکوف و دو قبضه اسلحه کمری و مقداری فشنگ بدست آوردند و به چند حمله دیگر در شهرها و نواحی سلیمانیه، کرکوک، قره‌داغ و چمچال دست زدند که هنوز زیانهای دشمن مشخص نشده‌است.

راهاندازی مرکزهای آزمایشگاهی رایگان

شورای جهاد دانشگاهی در اطلاعیه شماره سه به آگاهی همگان رسانده که «بدنبال بازگشائی و به راهاندازی شعبه مرکزی آزمایشگاه مستضعفین واقع در میدان ونک» از روز شنبه بیست و ششم مهر ماه «شعبات دیگر این مرکز» شروع بکار خواهند کرد خبر رسیده نشان میدهد، این مراکز که دارای امکانات آزمایشگاهی در زمینه‌های خون‌شناسی، بیوشیمی، میکروب‌شناسی و ایمونولوژی و کلیه آزمایشهای اختصاصی میباشند. و کلیه بیماران خانواده‌های شهیدان و آسیب‌دیدگان انقلاب و نیز تمامی تهیدستان را بطور رایگان می‌پذیرد از هنگام تعیین شده شروع بکار کرده‌اند و در به راهاندازی این مراکز دکتر بهروز برومند سرپرست دانشگاه علوم پزشکی ایران، بیشترین کوشش را نموده است.

فرزند خوزستان سلام

ای فرزند دشتهای داغ ای همسفر آفتاب و ای همراز نخلهای سربلند، چون آفتاب روشن شهرت درخشیدی، و چون رود روان سرزمینت از تکاپو نماندی، و چون نخلهای پربر ديارت سربلند زیستی، تن به تسلیم ندادی، آزمندان تردامن را نگون ساختی. تیغ در کف دژخیم شکستی و داغ بر دل دشمن نهادی.

ای فرزند گرما، آنگاه که در کوچهای تنیده شهرت به سنگر می‌نشینی، از کران تا کران غرور و افتخار روان می‌کنی، هر قطره از آب بهمن شیر گواه غرور تو و هر نخل سربلند، قصبه‌گر عشق تو است.

دشمن آمده بود تا بر کومه‌های محنت رسیده «کفیشه» سروری کند که آمانش ندادی و پیکر پلیدش را چنان کوفتی که هر هوس از سر بنهاد.

جانانه ایستادی و دشمن آمده بود تا آبهای زلال بهمن شیر را بر تو دریغ دارد که آواراش داشتی، دشمن آمده بود تا «بهار» را از تو بازستاند که خزان بر هستیش فکندی و در مانده‌اش داشتی.

فرزند آبادان، فرزند خرمشهر، سلام بر شما، هر افتخار بر شما. رزم جانانه شما، غرور آفرید و شوق و امید.

دشمن بددل، بر کاشانه‌ات آتش افکند و خانه‌ات را بسوخت. ولی چه باک. خانه‌ها از نو خواهیم ساخت و به فرش و پرده‌اش خواهیم آراست و ارزانی مردم. ما خود در کمین دشمن خواهیم نشست. خانه تو از این پس هر گوشه ایران است. ایران را سربلند داشتی که خود سربلند مانی.

دشمن از زمین و هوا آتش گشود و از آن سوی «شط» خم‌سپاره فـرور ریخت، ولی حتی یک دم نهراسیدی. بر هر ایستگاه «فرح آباد» سنگر بستى و همه شهر را با خون آذین بستى، و دشمن درمانده شد.

دشمن آمده بود تا «حلبی آباد» را هم از تو بگیرد، که تیر بر قلبش نشاندی. «حلبی آباد» از این پس «غرور آباد» و «افتخار سرا» است.

آنها که دلیری‌های تو را شنیده‌اند، غرق شگفتی و غروراند. هر آنچه از حرمت و غرور از تو ربوده بودند، بازپس گرفتی. بگذار شهر را به آتش بکشند چون مرغ آتش در میان شعله‌ها سرود خواهیم خواند. سرود رهائی، سرود غرور، سرود وطن. و آنگاه از انبوه خاکسترها، دوباره پر خواهیم کشید.

جزیره را سوختند نه اندوه که تاریخ را ساختیم فردا را ساختیم و ایران را ساختیم. از این پس دیگر کدام کس بر سرزمین تو چیرگی تواند کرد. نگاه کن که خورشید بر تو نور می‌ریزد.

و نخلهای تو، خوشه‌های شیرین به بار می‌آورند. سلام بر تو

علت اعلام بیطرفی سازمان آزادبخش فلسطین

خبرگزاری یونایتدپرس-بیروت-منابع فلسطین اعلام داشتند اگر چه سازمان آزادبخش فلسطین در مورد جنگ ایران و عراق اعلام بیطرفی کرده است، اما این سازمان در حال حاضر پشتیبانی آرامی (!) از لحاظ مادی و معنوی از ایران میکند.

منابع نزدیک به رهبر سازمان آزادبخش فلسطین اظهار داشتند این سازمان کمکهای مادی غیر نظامی و اطلاعات مفیدی در اختیار ایران میگذارد. این منابع ضمن خودداری از ذکر نوع کمکهای مادی خاطر نشان کردند، فلسطین در کمک به ایران با سوریه و لیبی هماهنگی دارد.

به گفته یک مقام فلسطینی تمام نیروهای نظامی فلسطین طرفدار آیت‌الله خمینی هستند (اما) کمک مالی هنگفت عراق به سازمان آزادبخش فلسطینی و تمایل این سازمان به پایان یافتن سریع جنگ میان ایران و عراق، فلسطین را مجبور به اعلام حالت بیطرفی کرد. (II)

یک مقام فلسطینی اظهار عقیده کرد که ایرانیان موقعیت ما را درک میکنند و از ما گله ندارند. ما از جهات مختلف در حال کمک به ایران هستیم و این کشور از موضع ما آگاه است.

● بله، ملت ایران بخوبی «از موضع دلال مآبانه شما و هم چنین احترام عمیق مردم فلسطین به انقلاب، آگاه است و هیچ گلایه‌ای هم از آنها که خود را بدروغ به عنوان رهبر به این مردم ستم‌دیده تحمیل کرده‌اند، ندارد.

بقیه در صفحه سوم

خبرهای حزبی

- هم‌رزم دکتر بهروز برومند عضو شورای دبیرخانه حزب و سرپرست دانشکده علوم پزشکی بامداد روز پنجشنبه بیست و چهارم با همراه داشتن یک گروه ورزیده بشهر جنگ زده اهواز عزیمت کرد و بمحض ورود در بیمارستان سینای این شهر استقرار یافته و به درمان زخمی شدگان و آسیب دیدگان پرداخته است.

- هم‌رزم دکتر سیاوش صحت که به سرپرستی یک گروه پزشکی از اصفهان به غرب کشور رفته بود، پس از انجام کارهای درمانی در شهرهای گیلانغرب، سرپل ذهاب و اسلام آباد از هفته پیش بشهر کرمانشاه که در اثر بمباران بسختی آسیب دیده، بازگشته است و اکنون در بیمارستان امام خمینی انجام وظیفه میکند.

- گذشته از کوشش وابستگان و هواداران حزب که در شهرهای جنگ زده از همان آغاز تجاوز به میهن شروع شد، در سازمان شهرستان تهران و دیگر سازمانهای برون مرکزی حزب نام نویسی داوطلبان و آماده سازی آنها برای فرستادن به جبهه‌های جنگ ادامه دارد.

نامه‌های رسیده

هم‌رزم عباس ایهامی از اصفهان،

در نامه‌ی خود که اعلامیه‌ای نیز ضمیمه آن بود می‌نویسد: هشت سال پیش در ذوب آهن اصفهان استخدام و در قسمت موتور برق مشغول کار شدم و همواره با جدیت و اخلاص و صداقت در انجام کار کوشا بوده و رفتارم با کلیه همکاران نیز طبق موازین اخلاق و صمیمیت بوده است. در زمینه کار به کسی زور نگفتم و برادری و تفاهم را جایگزین هر گونه اجبار و اکراه دانستم و بالطبع زورپذیر نیز نبودم و همانطور که در اجتماع با سلطه دیکتاتوری آشتی ناپذیر بودم در محیط کار نیز با هر گونه سلطه گرائی مبارزه داشتم.....

هم‌رزم عباس ایهامی در ادامه‌ی نامه‌ی خود یادآور می‌شود که بر غم شکست نظام فاسد پهلوی، «متأسفانه اخلاق و رفتار آن نظام ظالم هنوز در بعضی از نفرهای مسئول و مدیران این سازمان وجود دارد که از مفهوم انقلاب عظیم اسلامی ملت ایران هیچ بهره‌ای نگرفتند..... اینک موردی که باید ارائه دهم وضع روحی و فکری مهندس ایسکار رئیس اکیپ ۷ می‌باشد.....

که چون با روحیه حق طلبی من روبرو شد بوسیله ایادی خود تصمیم گرفت مرا از قسمت خودم انتقال دهد..... که با اعتراض شدید من و همکارانم روبرو شد. و همین اعتراض بهانه‌ی اخراج من از کار گردید.

بنا بر نوشته‌ی هم‌رزم عباس ایهامی، ایشان بر غم اخراج غیرقانونی و ظالمانه به کار در ذوب آهن ادامه داد و تا امروز که یازده ماه از آن تاریخ می‌گذرد، نه نشانی از تغییر رویه دیده می‌شود. و نه در برابر ارائه‌ی کار صمیمانه حقوق و مزایای قانونی دریافت نموده گویا آنچه به جایی نمی‌رسد فریاد است.

خانم پوران امید از تهران می‌نویسد

دخترم از همان آغاز جنگ باشور و شوقی که در وصف ننگد به آموزش کمک‌های اولیه پرداخت و از هفت‌خوان کمیته گذشت و این روزها تمام فرصت‌هایش را در اختیار زخمی‌شدگان و آسیب‌دیدگان این جنگ تحمیلی می‌گذارد.

گرچه اگر فرزند کوچکتری که نیاز به مراقبت‌های من دارد، نداشتیم، بیگمان منم در کنار او و همکار او بودم ولی روحیه‌ی غم‌زده و خاطر آزرده‌اش از نابسامانی‌هایی که شاید با سن و تجربه‌ی اندک و آرزو پروری‌های او همخوانی ندارد چنان درمانده‌ام کرده که به نوشتن این نامه و تمنای درج آن پرداختم.

شما اگر مسجیدی نزدیک خانه داشته باشید صف طولانی داوطلبان جبهه و کمک‌های اولیه را روزی نیست که نبینید و بی‌شک مثل من بخود می‌باید در کشوری که چنین روحیه‌ی حکومت کند شکست زمانی واقعیت می‌یابد که دیگر در این بوم و بر بقول حماسه‌سرای بزرگ ما زنده یک تن نباشد.

ولی این صف‌ها هست و شمار دختران و زنان هم بی‌تعارف چند برابر مردان و پسران است ولی در بیمارستان جوانی که از جنگ برگشته برای تقاضای یک دارو، یا وسیله‌ای برای دفع ادرار باید ساعت‌ها فریاد بزند و صدایش در تراکم بیمار و کمبود پرستار و انحصارطلبی دست‌اندرکاران گم شود و بگوش تنبندهای نرسد.

وقتی دختر تازه از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده‌ی من که در شرایط عادی باید آب را هم به دستش داد شب تا صبح، صمیمانه و حتی عاشقانه کار میکند و از انجام هیچ کاری روی ترش نمی‌نماید تازه صبح اگر کشیک بسدی نباید بی‌خستگی کار را ادامه میدهد، بی‌شک هزاران بقیه در صفحه سوم

درود بر روان تابناک همه شهیدان نبرد میهنی